

ریشه‌های فکری و زمینه‌های اجتماعی معماری معاصر غرب

از مدرن تا پست‌مدرن

غلامرضا جمال‌الدین

فهرست

- ۷..... پیشگفتار
- ۹..... **بخش اول: معماری مدرن**
- ۱۱..... گفتار اول: از مدرنیته
- ۲۷..... گفتار دوم: از انقلاب صنعتی تا نقش نمایشگاه‌ها در شکل‌گیری معماری مدرن
- ۴۹..... گفتار سوم: ریشه مبانی نظری معماری مدرن؛ اندیشه معماری مدرن در قرون هجدهم و نوزدهم
- ۸۳..... گفتار چهارم: راسیونالیسم، زیباشناسی معماری، زیباشناسی مهندسی، آگوست پره
- ۱۰۵..... گفتار پنجم: از مکتب شیکاگو تا نمایشگاه شیکاگو
- ۱۲۷..... گفتار ششم: جنبش صنایع و هنرهای دستی؛ تردیدها در زیباشناسی ماشین
- ۱۴۳..... گفتار هفتم: از آرت نوو تا آرت دکو
- ۱۶۱..... گفتار هشتم: آدولف لوس و مساله تزئینات
- ۱۷۱..... گفتار نهم: تونی گارنی و شهر صنعتی
- ۱۸۵..... گفتار دهم: از قیاس‌های عصر ماشین؛ فوتوریسم و زیبایی سرعت
- ۲۰۱..... گفتار یازدهم: ساختارگرایی؛ چالش فرم وایدئولوژی مارکسیسم
- ۲۲۱..... گفتار دوازدهم: دستایل و معماری ضد مکتب
- ۲۳۵..... گفتار سیزدهم: فرانک لوید رایت: از مکتب چمنزار تا سبک ارگانیک
- ۲۵۷..... گفتار چهاردهم: از دویچر ورکبوند تا باهاس؛ از زیباشناسی کارخانه تا زیباشناسی مهندسی
- ۲۷۹..... گفتار پانزدهم: معماری امروز؛ از مبانی تئوری تا اصول طراحی لوکوربوزیه
- ۳۰۹..... گفتار شانزدهم: آسمان‌خراش‌های آمریکا و متروپولیس‌های فردا

- گفتار هفدهم: سبک بین‌المللی ۳۲۳
- گفتار هجدهم: سیام و چالش‌های معماری مدرن ۳۴۹
- گفتار نوزدهم: از منشور آتن تا پُروت آیگو ۳۶۳
- گفتار بیستم: میراث معماری مدرن ۳۷۹
- بخش دوم: پست‌مدرن ۳۹۳**
- گفتار بیست و یکم: از پست‌مدرن ۳۹۵
- گفتار بیست و دوم: معماری پست‌مدرن ۴۱۱
- گفتار بیست و سوم: چارلز جنکز و مساله پست‌مدرن ۴۳۳
- گفتار بیست و چهارم: دیکانستراکتویست و فولدینگ ۴۴۷
- منابع و مآخذ ۴۵۷
- نمایه ۴۶۷

گفتار اول: از مدرنیته

برای صحبت از ریشه، بستر و زمینه‌های فکری و اجتماعی جریان‌هایی که سبب شکل‌گیری معماری مدرن شد، باید از «مدرنیته»^۱ آغاز کرد. مدرنیته عبارت از نوعی حالت یا کیفیت و ویژگی مدرن، نوعی تجربه مدرن یا دوره مدرن. ایده مدرنیته بیانگر تازگی، بداعت و نو بودن زمان حال به عنوان گسست یا انقطاع از گذشته و ورود به آینده است.^۲ مدرنیته در معنای کلی و گسترده آن، با فکر و ایده نوآوری، ابداع، ابتکار، تازگی و خلاقیت، پیشگامی، پیشرفت، ترقی، توسعه، رشد و مُد و سلیقه همراه است. ریشه تاریخی واژه مدرنیته *modernité* را می‌توان در مقاله شارل بودلر^۳ که به کنستانتین گایز^۴ نقاش فرانسوی اختصاص داده شده است، یافت. در مقاله بودلر^۵، مدرنیته به عنوان پدیده‌ای گذرا، سیال، مشروط و غیرثابت تعریف می‌شود و بیانگر تمام چیزهایی است که سبک و سلیقه معاصر می‌تواند به همراه خود داشته باشد. مدرنیته به عنوان تجربه‌ای خاص از تحول است.^۶ مدرنیته به عنوان یک مفهوم جامعه‌شناختی معمولاً با مفاهیمی چون صنعتی‌شدن، دنیاگرایی، غیردینی‌شدن، بوروکراسی، و مفهوم شهر و شهرنشینی همراه است. جریان مدرنیته در طول تاریخ غرب توسط منتقدان و نظریه‌پردازان، مورد بحث و نقد و ستایش و نکوهش بوده است. برخی از نویسندگان برای تعیین مراتب و مراحل مختلف مدرنیته، دوره‌بندی‌هایی را ارائه

1. Modernity

۲. نک: تونی پینکنی، مدخلی بر تعریف مدرنیسم، مجموعه مقالات مدرنیته و مدرنیسم، ترجمه نوذری، ص ۴۷-۶۲.

3. Charles Pierre Baudelaire

4. Constantin Guys

5. Francis Mallgrave, Architectural

Theory, Vol. 1, an Anthology from Vitruvius to 1870, (from "the Painter of Modern Life), pp. 516-518.

۶. احمدی، معمای مدرنیته، ص ۱۰.

داده‌اند. دوره‌هایی چون: ماقبل مدرنیته^۷، مدرنیته متاخر^۸، مدرنیته پیشرفته^۹، و پسامدرنیته^{۱۰} از جمله این تقسیم‌بندی‌ها است.^{۱۱} در ابتدا واژه لاتین *modernus* به منظور جایگزینی برای تقابل دوری ویژگی کهن و نو، یا قدیم و جدید، دوران شرک و کفر عهد عتیق با مفهومی از حال، به عنوان گسستی غیرقابل برگشت با گذشته به کار می‌رفت. خود واژه مدرن در قرن هفدهم وارد عرصه مناظرات روشنفکری اروپای غربی شد. وجه بارز و آشکار معنای آن، چیزی معادل «رایج»، «جاری» و مرسوم و متداول بود. برای بررسی منشاء مدرنیته و خاستگاه‌های نظریه اجتماعی مدرن، باید به بررسی و تحلیل‌های جامع از دیدگاه‌ها و نقطه نظرات اندیشمندان و فلاسفه‌ای چون کانت، هگل و مارکس پرداخت. با این حال، واژه و مفهوم مدرنیته در علوم اجتماعی، علوم انسانی، تاریخ‌نگاری، معماری و هنر و فلسفه، تعاریف فراوان و متنوعی پیدا کرده است که بسیاری از آنها با یکدیگر متضاد و متناقض است.^{۱۲} میشل فوکو گفته است: «...عنوان مهم نیست، ما همواره می‌توانیم برچسبی دلخواه را به کار ببریم، اما نمی‌دانیم این عنوان به چه مسائلی مرتبط می‌شود».^{۱۳} این گفته درباره معنای واژه مدرنیته صدق می‌کند. برخی نویسندگان و منتقدان، زمانی که از روزگار مدرن یاد می‌کنند، فاصله میان رنسانس و انقلاب فرانسه را در نظر دارند، و در سوی دیگر، عده‌ای دیگر از نویسندگان، از انقلاب صنعتی به این سو را به عنوان زمان ظهور مدرنیته در نظر می‌گیرند. در واقع، بر سر دوره‌بندی تاریخی و تعیین مشخصه‌های اصلی مدرنیته دشواری‌هایی وجود دارد. اما در یک نگاه کلی، مدرنیته به عنوان روزگار پیروزی خرد انسانی بر باورهای سنتی، رشد اندیشه علمی و خردباوری در نظر گرفته می‌شود که این مقولات با سازماندهی جدید تولید، شکل‌گیری قوانین مبادله کالا، و سلطه تدریجی جامعه مدنی بر دولت، همراه است.^{۱۴} در یک

7. pre-modernity
8. Late-modernity
9. High-modernity
10. Post-modernity

۱۱. نوذری، مجموعه مقالات مدرنیته و مدرنیسم، ص ۹.
 ۱۲. برای برخی معنای واژه مدرنیته نک: Heynen, Architecture and Modernity, p. 8.
 ۱۳. احمدی، مدرنیته و اندیشه انتقادی، ص ۹.
 ۱۴. احمدی، همان.

تعریف کلی می‌توان گفت که مدرنیته مجموعه‌ای است فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فلسفی که از حدود سده پانزدهم تا روزگار جدید ادامه دارد.

همچنین می‌توان برای تعریف این واژه و برداشتی که از آن می‌شود، قایل به دو دسته‌بندی عمومی شد. گروه اول که مدرنیته را شکل یا ساختاری اجتماعی و فرهنگی، و در نتیجه، آن را واقعیت یا دورانی تاریخی مطرح می‌کنند. در حالی که گروه دوم، آن را به مثابه رویکردی فلسفی یا جهان‌بینی تازه‌ای می‌بینند. در نگاه هر دو گروهی که از مدرنیته برداشت متفاوتی دارند، یک دیدگاه مشترک در بین ایشان دیده می‌شود و آن این است که مدرنیته جامعه‌ای را شکل داد که در آن، خرد نه تنها کنش‌های علمی و فعالیت‌های فنی را تعیین می‌کرد، که به شیوه حکومت زندگی و حیات اداری جامعه جهت می‌داد.^{۱۵} در دنیای مدرن، خرد ابزاری انتقادی است در برابر اقتدار نیروهای کهنه و سنتی؛ خرد یگانه نیروی سازماندهی زندگی اجتماعی و فردی دانسته می‌شود و پیوسته بر زمینی کردن زندگی و گسست از زندگی‌ای که متکی بر نیروهای ماوراءطبیعی و جادویی است، تکیه دارد. از نگاه مارشال برمن،^{۱۶} «مدرنیته در بطن خود دارای تعارض و تضاد و ابهام‌های متناقضی است. تجربه مدرنیته برای غرب جدا از اینکه رشد و تحول و دگرگونی را به همراه آورد، از سوی دیگر، اطمینان و امنیت و سنت‌های مورد تکریم را مورد تهدید و نابودی قرار داد. مدرنیته به دنبال کشفیات عظیم در علوم فیزیکی، تغییر دیدگاه‌ها و تصاویر ذهنی ما از کیهان را در برداشت؛ روند صنعتی شدن تولید که دانش علمی را به تکنولوژی متحول می‌سازد، زیست‌بوم‌های انسانی تازه‌ای خلق می‌کند و زیست‌بوم‌های کهنه را نابود می‌سازد، سیر کلی حیات را شتاب می‌بخشد، اشکال تازه‌ای از قدرت منسجم و یکپارچه و انواع جدیدی

۱۵. احمدی، همان، ص ۱۰.
 ۱۶. برمن، مارشال، تجربه مدرنیته، هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود، ترجمه مراد فرهادپور.